



عبدالاحمد فیض
حقوقدان، نویسنده و عضو هیئت تحریر
انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

بمناسبت روز جهانی عدالت

عدالت بین المللی، آرمانگرایی با معما!!

بشریت در اعصار گوناگون و در مراحل متفاوت انکشاف حیات انسانی درین سیاره زیبا راه بی امان مبارزه را بخاطر دستیابی به عدالت که مفهوم جزء دادگری، مساوات، برابری و اعاده حق نداشته و ندارد، درپیش گرفته و در راستای دستیابی به عدالت مبارزه نموده است.

واژه عدالت بمتابه متعالی ترین آرمان بشری، تجلی یک مفهوم و محتوای انتزاعی نبوده بلکه عدالت در سطوح و عرصه های متفاوت حیات بشری مانند عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی، عدالت در عرصه حقوقی و غیره مطرح میگردد که حق آن متضمن ثبات، امنیت، رفاه، برابری و مساوات خواهد بود..

طوریکه تصریح یافت، عدالت خواهی و مبارزه بخاطر دسترسی به عدالت پدیده تاریخی است و اما با تدوین و ظهور تئوریهای نوین که در بستر مبارزات باشکوه آزادی خواهی و روشنگری قوام کسب نمود، پیکار و مبارزه بغرض تحقق عدالت بیشترین در چهارچوب تفکرات نوین هومانستی در پرتو نظریات و دکترین دانشمندان و پیشگامان نهضت‌های دموکراتیک سده هجدهم در جامعه بشری رونق یافت.

شایان ذکر میدانم که علی الرغم این پیشگفتار در باب عدالت، منظور نویسنده تعریف و توصیف عدالت و بررسی چگونگی عدالت بگونه موسع و مشروح نیست، بلکه تلاش خواهم ورزید تا مفهوم و محتوای عدالت بین المللی و نحوه عملکرد تابعان حقوق بین المللی را در خصوص تحقق عدالت بین المللی بطور اخص مورد کنکاش قرار داد..

دراول جون (۲۰۱۰) طیف وسیع از دول عضو میثاق روم که در جون سال (۱۹۹۸) دیوان بین المللی جزائی را اساس گذاشتند، در شهر کامپالا کشور اوگاندا گردهم آمدند تا باگشایش یک کنفرانس بین المللی نحوه فعالیت‌های دیوان را مورد بحث قرار داده و اساسنامه روم را مورد بازنگری و تجدید نظر قرار دهند، درین کنفرانس دولتهای عضو به توافق رسیدند تا به هدف جلب هرچه فزونتر حمایت جامعه جهانی از میثاق روم و توسعه فعالیت‌های دیوان بین المللی جزائی لاهه، هفدهم جولای را که مصادف می‌گردد به تقویم امضای میثاق روم، بمثابة روز بین المللی عدالت مسمی و همه ساله ازینروز بزرگداشت بعمل آید..

لذا با اهتمام به نیات و مقاصد دولتهای شرکت کننده در کنفرانس کامپالا، عدالت بین المللی همانا عدالت جزائی یا کیفی است که از عدالت اقتصادی و یا عدالت اجتماعی که جوانب گوناگون مناسبات اجتماعی را در محور داعیه عدالت خواهی مورد بررسی قرار میدهد، تفکیک شده که هدف از آن تعقیب، مجازات و رعایت بی تأخیر کلیه مفاد و هنجارهای است که دیوان جزائی لاهه در فروغ آن ایجاد و فعالیت مینماید.

تذکر این موضوع غیر منصفانه نخواهد بود که بشریت علی الرغم سیستم حقوقی جهانی با پهنای گسترده با یک نظام بین المللی ناعادلانه روبروست که در مواجهه با تضییع حقوق و ارزشهای انسانی، اعاده حقوق شان با بکارگیری ابزارها و میکانیزمهای متنوع نا ممکن می‌گردد.

دردنیای معاصر زور و قدرت در جایگاه قوانین بین المللی نقش ایفاء داشته و مبرهن مینماید که دشوار خواهد بود تا قوانین و هنجار جهانی را از منظر قدرت و مرکز الزامی و اجرائی در چهارچوب عدالت بین المللی مورد توجه قرار داده و خود را در پناه اصول بین المللی مصون پنداشت.

درست بیست و سه سال از عمر پیمان بین المللی روم که امروز تحت عنوان روز عدالت بین المللی به هدف ارتقای سطح حمایت جهانی از آن بزرگداشت خواهد شد، گذشت، در طی این مدت جهان شاهد حملات مسلحانه بر حاکمیت‌های مستقل دیگر و وقوع منازعات مسلحانه خونبار در بسا نقاط جهان بوده که این مخاصمات با تمام ابعاد خطیری که در پی دارد، کماکان عمدتاً در محور منافع و تمایلات آزمندانه عنصر خارجی در مناطق درگیر جنگ ادامه داشته که بی تردید موارد متعددی از جنایت جنگی، نقض فاجعانه حقوق انسانی، قتل و کشتار بیرحمانه مردمان که در جنگ مشارکتی نداشتند بوقوع پیوسته است، مانند جنگ جاری در افغانستان، یمن، سوریه، عراق، غزه و غیره که با وصف موجودیت دیوان بین المللی جزائی، از عدالت قضائی مبنی بر شناسائی، پیگرد و مجازات عاملان جنایات وحشیانه بین المللی خبری نیست.

کشورما افغانستان در نتیجه تهاجم مسلحانه ائتلاف بین المللی به هدایت امریکا و مداخلات گسترده از کشورهای پیرامون مبنی بر تمویل نبرد مسلحانه به هدف تحقق اهداف و مقاصد سیاست خارجی توسعه طلبانه آنها مانند اداره نظامی پاکستان، به مکان امن و محل تجمع جنایتکاران جنگی و ناقضان حقوق بشری مبدل گردیده است، درین کشور در حال منازعه در دوده گذشته، موارد مشهود و غیر قابل انکار جنایت جنگی یا نقض بی شرمانه حقوق بین المللی بشردوستانه، توسط قوای خارجی، نظامیان بومی یا گروههای مسلح مخالف دولت ارتکاب گردیده است، که به دلایل گوناگون مانند وابستگی نامحدود به منابع خارجی، عدم شفافیت و ناتوانی نظام عدلی نه تنها هیچ اقدام قابل انتظار در زمینه دستگیری و محاکمه جنایتکاران

وقاتلان مردم بیدفاع از جانب دولت صورت نگرفته است، بلکه مجرمان بدنام و مرتکبین جنایات وحشیانه، به معافیت از تعقیب دست یافته اند، این وضعیت در کشور در شرایطی حاکم است که عاملان جنایات هدفمندانه ضد بشری در میادین جنگ و مکانهای غیر نظامی بطور روز افزون و کم سابقه به گسترش موارد جنایت در تلاش هستند و هکذا ماده (۲۹) منشور دیوان جزائی بین المللی معافیت از تعقیب و یا رعایت اصل مرور زمان را در جرایم مغایر ارزشهای انسانی و جنایت جنگی منتفی نموده است.

عدالت بین المللی از تابعان حقوق بین المللی یعنی دولتها و حتا شخصیتهای حقیقی (افراد) میطلبد که به هدف تحقق عدالت جهانی در عرصه بین المللی از منشور دیوان جزائی لاهه حمایت نموده و در جهت تطبیق همه جانبه احکام ماده (۵) اساسنامه محکمه کیفری جهانی، به این دیوان همکاری نمایند، متن ماده پنجم دیوان حاوی احکام صریح در خصوص تعقیب و مجازات عاملان جنایت زمان جنگ، ناقضان حقوق بشری، نسل کشی و جنایت علیه صلح یا جنایت تجاوز است، که همه موارد پیش بینی شده در جوامع درگیر منازعات مانند کشور ما مصداق دارد، هکذا عدم همکاری جامعه بین المللی در زمینه شناسایی، تعقیب و دستگیری مجرمین بین المللی بخصوص دول عضو پیمان روم و کشورهای که محل ارتکاب جرم قرار میگیرند، باعث شده است تا این مرجع ذیصلاح قضائی که بیش از دوده از ایجادش میگذرد، علی الرغم کثرت وقوع جنایات ضد بشری و جرایم جنگی در سطح دنیا فقط به پرونده محدود از قبیل قضیه نسل کشی دارفور و محاکمه رئیس جمهور پشین سودان رسیدگی نموده و مجموع فعالیت این نهاد قضائی در همین محدوده باقی بماند. چنانچه ایالات متحده امریکا که میثاق دیوان بین المللی جزائی را نپذیرفته است، از قوانین ملی خود که تحویلدهی و محاکمه شهروندان امریکائی را در محاکم خارجی تجویز نمینماید بمثابه حربه استفاده نموده و حتا در موارد معین از ابزار تحریم علیه این نهاد عدلی بین المللی استفاده نموده است.

به پندارم در یک چنین فضای غیر عادلانه جهانی، صحبت پیرامون عدالت بین المللی بیشترین آرمانی است و در ایجاد یک نظام حقوقی که بسترهای مناسب برای تأمین عدالت جهانی ایجاد گردد، کماکان راه طولانی و ناهمواری در پیش خواهد بود.